

تیتراهای امروز

ادعای عجیب محمدجواد ظریف مبنی بر بازجویی دانشمندان هسته‌ای در دولت سابق با تکذیب‌های بی‌سابقه مواجه شد

دروغ چرا؟!

صفحه ۲

میراث نحس اصلاحات برای هسته‌ای

صفحه ۲

توضیحات عراقچی
در برنامه زنده تلویزیونی

دستمالی شدن مراکز نظامی

صفحه ۲

۹ کشته و ۲۲ زخمی
در تیراندازی‌های سریالی

بازگشت شیکاگو به عصر گنگسترها

صفحه ۱۵

سایت **Yaraneh10.ir** برای ثبت اعتراض درباره دریافت پارتانه نقدی فعال شد

«سین جیم» حذف شدگان

صفحه ۲

تاکسی امروز

دعوی بنزین ادامه دارد

محمد رضا کردلو

عجیب نبود که امروز در تاکسی صداها بلند نشود. روزنامه‌ای روی داشبورد بود که تیتراژ بود: بنزین تاکسی‌ها هم آزاد شد. «سهمیه پُر» راننده را کارد می‌زدی عوشت در نمی‌آمد. حق داشت بنده خدا. این وسط یکی می‌آید (X) می‌پارازیت می‌انداختی از اینها بی‌کی به بدجور روی مخ هستند. هر چیزی را که از هر کجا شنیده بودی درست یا غلط می‌گفتی و راننده هم به زور خودش را نگه داشته بود. روز اعصاب خرد کنی بود. روز اول آزادسازی بنزین. آن یکی که کنار راننده نشسته بود (X) می‌پارازیت وسط درددل‌های راننده می‌آید و با خنده اعصاب خردکن می‌گفت: غصه نخور آقای راننده قراره پول بنزینت رو بدن یمن! بغل دستی من گفت: چه ایرادی داره بدن یمن. به یمن نمی‌دن، مگه سربازی رو فروختن پولشو دادن یمن؟ مگه پول پارانه رو که قطع کردن دادن یمن؟

مسافر X که کنار راننده نشسته بود، دوباره گفت: از کجایم دوتی ندانم؟ بحث بالا گرفت. راننده گفت: «آقا بی خیال شو». خطاب به مسافر بغل دستی‌اش ادامه داد: «مت اینکه اخبار گوش نمی‌کنی؟! ندیدی چند روز پیش فرمانده ارتش گفت داعش تو مرز ایران تفنگ‌خونه داره؟ به یمن کمک نکنن جری می‌شن فردا میان تهران، بنده خدا!»

بغل دستی من گفت: قریون آدم چیز فیم. مسافر جلوبی (X) نخواست بی جواب بگنارد. شروع کرد پشت سرهم همه چیز را به هم بافتن. گفت: اگر بگنارد روحانی توافق رو امضا کنه درست می‌شه. بغل دستی من گفت: کی نمی‌گذاره؟ الان که اتفاقا اون دارن دبیبه می‌کنن. مگه روحانی نگفت تحریم‌ها برداشته می‌شه، الان که آمریکا‌هایی می‌گن اصلاحات نیست تحریم برداشته شه. دیشب بی‌بی‌سی رو ندیدی؟ اون دختر موزمه می‌گفت: مانی خوام تحریم را برداریم. اینا تونستن از اونور به نتیجه برسن از اینور به مردم فشار میان. من پارانهام خریدم شده آقا. امروز رفتم تو ستاد هدفمندی می‌گه شما خودرو داری. می‌گم مرد حساسی وقتی پول بنزینت رو ندارم این ور و اونور برم این برا من درآمد داره که پارانهمو قطع می‌کنین؟! جواب درست و حسابی که نمی‌دن. راننده گفت: دست رو دل ما نازار. هرچی می‌کشیم از این توافق. ۲ ساله هی می‌گن امروز می‌شه، فردا می‌شه، امروز تموم می‌شه، فردا تموم می‌شه.

ادامه در صفحه ۱۱



سقوط مذاکرات در چاه PMD و بازرسی‌های ویژه چشم‌بندی!

کرده است. نه عراقچی و نه هیچ کس دیگری در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران تا امروز توضیح نداده است که معنی این کار چیست؟ و در حالی که PMD به وضوح یک موضوع ساختگی است و هدف غرب از طرح آن هم کسب اطلاعات جاسوسی از ایران و دست‌اندازی به بخش دفاعی متعارف ماست و رویه آژانس هم نشان می‌دهد قصد حل این موضوع را ندارد، آیا مشروط کردن تعلیق تحریم‌ها به تعیین تکلیف PMD، معنایی جز تعلیق به محال کردن هر گونه کاهش تحریم دارد؟ این مهم‌ترین خطای تیم مذاکره‌کننده است که به جای اصلاح، دائما توجیه می‌شود. تیم مذاکره‌کننده به جای اینکه از آمریکا بخواهد حال که یک توافق سیاسی در حال رخ دادن است موضوع ساختگی PMD را کنار بگذارد و به جای گذشته بر آینده متمرکز شود، پذیرفته است که در کنار انبوه امتیازهای هسته‌ای، PMD هم باز بماند! آیا این جز اینکه تقاضای قربانیان بعدی خواهند بود؟ و باز از همه اینها مهم‌تر، آیا باز نگه داشتن PMD، به معنای باز گذاشتن یک کانال بهانه‌جویی بسیار فراخ علیه ایران نیست که هر لحظه می‌تواند به بازگشت مجدد همه تحریم‌ها بینجامد؟

۷- هدف آژانس از درخواست دسترسی‌های فراپروتکلی، دقیقا دسترسی به افراد، تجهیزات، مکان‌ها و اسناد برنامه نظامی متعارف ایران به بهانه PMD است. آژانس هیچ نیت خیرخواهانه یا متعارفی ندارد. برای من بسیار جالب است که دوستان تیم محترم مذاکره‌کننده اکنون به مدافعان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تبدیل شده و از قابل اعتماد بودن آن سخن می‌گویند. جالب است که این همکاری‌های بی‌سابقه هم هیچ چیز را در رویه آژانس تغییر نداده است. همین حالا که تیم مذاکره‌کننده بر خلاف ضوابط، به دسترسی‌های فراپروتکلی موافقت کرده، آژانس لیستی از افراد و مکان‌ها را در اختیار آنها قرار داده است که به طور کامل مربوط به افراد نظامی یا افراد شاغل در پروژه‌های حساس دفاعی و همچنین مکان‌های نظامی است. هیچ فرد یا مکان مشخص هسته‌ای در این فهرست‌ها وجود ندارد. همین امر

ندارند یا از ناحیه غرب نگرانی امنیتی ندارند یا اینکه (درباره ۵ عضو شورای امنیت) پروتکل امضا شده از سوی آنها با بقیه کشورهای جهان تفاوت دارد. حتی اگر بنا باشد روزی پروتکل الحاقی اجرا شود ما به ازای آن غنی‌سازی صنعتی در ایران است نه ششیر بی‌بال و دم و اشکمی که آقایان پذیرفته‌اند. اما باز هم یادآوری می‌کنم آنچه در تفاهم لوزان و پیش از آن در توافق ژنو، پذیرفته شده، بسیار فراتر از پروتکل الحاقی است. مهم‌تر از این، تیم مذاکره‌کننده هیچ برنامه‌ای برای گرفتن تعهدات مشخص از ۵+۱ در متن برنامه مبنی بر اینکه حین اجرای پروتکل به نگرانی‌های امنیتی و حفاظتی ایران احترام گذاشته خواهد شد، ندارد.

۴- درباره همان پروتکل الحاقی هم توضیحی که تیم محترم مذاکره‌کننده ارائه می‌دهد ناقص و غیرصادقانه است. این درست است که طبق ماده ۴ پروتکل الحاقی برخی از دسترسی‌هایی که به آژانس داده می‌شود می‌تواند مدیریت‌شده باشد ولی این امر به هیچ وجه به آن شکل مضحکی که تیم مذاکره‌کننده ادعا می‌کند نیست. حتی در یک دسترسی مدیریت‌شده ارائه می‌دهد ناقص از هر نقطه‌ای که خواهد بازدید کند، می‌تواند خواستار مشاهده دقیقا همان چیزهایی شود که روی آنها پوشانده شده و می‌تواند فراتر از نمونه‌برداری، کارهای دیگری مانند عکسبرداری، صحبت با افراد و انجام تاییدات بصری، انجام بدهد. این امری است که آقای عراقچی اگر به سابقه بازرسی‌های پروتکلی و فراپروتکلی سال‌های ۸۲ تا ۸۴ - که خود زمانی منتقد آن بودند- مراجعه کنند، نمونه‌های زیادی برای آن خواهند یافت. در آن مدت کوتاه، بیش از ۲۷ بار به افراد، اسناد و سایت‌های نظامی دسترسی داده شد و اگرچه این روند در دولت بعدی متوقف شد، اما ثمرات آن اقدامات غیرقابل توجیه همچنان گریبان کشور را گرفته است. بنابراین مفهوم مدیریت‌شدگی به هیچ وجه رافع نگرانی‌های جدی امنیتی کشور نخواهد بود.

۵- نکته بسیار مهم‌تر این است که ماده ۵ پروتکل الحاقی می‌گوید اگر آژانس بر درخواست مشخصی اصرار کند، ایران باید آن را راضی کند. بنابراین باید به لحاظ پروتکلی، آنچه اصل است رضایت آژانس است که یک مفهوم کاملا باز و بی‌مناست و می‌تواند سرمنشا هر نوع باج‌خواهی از ایران باشد. این چیزی است که تیم مذاکره‌کننده حتی یک بار هم به آن اشاره نکرده است.

۶- یک مساله مهم دیگر این است که تیم مذاکره‌کننده در اقدامی بسیار عجیب، تعلیق تحریم‌ها را به اجرای همه تعهدات کلیدی ایران جمله حل و فصل موضوع PMD مشروط

به‌خوبی نشان می‌دهد که آژانس پس از گرفتن مجوز دسترسی‌های فراپروتکلی از ایران، روی بخش دفاعی و نظامی ایران متمرکز خواهد شد و اساسا با برنامه هسته‌ای ایران کاری نخواهد داشت. ۸- نکته دیگر این است که نه در متن‌های تفاهم‌شده در لوزان و ژنو و نه مناسبات کاری سازمان انرژی اتمی و آژانس در یک سال و نیم گذشته، هیچ چارچوبی وجود ندارد که چگونگی حل و فصل PMD میان ایران و آژانس در آن محیل شده باشد. در دولت گذشته، طی بیش از ۱۲ جلسه برای رسیدن به یک سند رهیافت ساختاری میان ایران و آژانس مذاکره شد که هدف از آن این بود که ایران مطمئن شود در صورت ارائه برخی دسترسی‌های حداقلی به آژانس، مساله PMD به طور قطعی بسته خواهد شد. یکی از مهم‌ترین مسائل‌های که تیم مذاکره‌کننده باید به آن پاسخ بدهد این است که چرا بیش از یک سال و نیم است بدون وجود هرگونه چارچوب تفاهم‌شده و بدون وجود هرگونه تعهد مشخص از جانب آژانس برای بستن PMD در ازای برداشته شدن گام‌های مشخص از سوی ایران، با آژانس در این باره همکاری نشده است؟ به عنوان نمونه، تیم محترم مذاکره‌کننده که از حسن نیت و رفتار حرفه‌ای آژانس و از شکل‌گیری اراده سیاسی در غرب برای حل و فصل موضوع PMD سخن می‌گوید، خوب است برای افکار عمومی بگوید که پاسخ به سوال‌های آژانس درباره EBW به چه نتیجه‌ای انجامیده است. موضوع EBW یکی از مسائل کلیدی در PMD است که تیم ایرانی بدون هرگونه چارچوب تفاهم‌شده تصمیم گرفت به سوال‌های آژانس درباره آن پاسخ بدهد. نتیجه جالب است. آژانس پس از دریافت پاسخ ایران نه تنها قانع نشد و موضوع را نبست، بلکه ۲۰ سوال جدید طراحی و به ایران ارائه کرد و خواستار پاسخگویی به آنها شد! همین یک تجربه کافی است که ثابت کند PMD یک مساله قابل حل نیست و اگر روند امتیازدهی به آژانس در این حوزه آغاز شود، تنها اتفاقی که خواهد افتاد این است که آژانس هر روز درخواست‌های بیشتر و نگران‌کننده‌تری روی میز ایران خواهد گذاشت و ایران هم به سبب تعهدی که سپرده - و این تعهد در یک قطعنامه فصل هفتمی به تصویب شورای امنیت هم رسیده- هیچ چاره‌ای جز پاسخ‌دهی به آن نخواهد داشت.

۹- نکته دیگر که مکررا از جانب تیم مذاکره‌کننده و همچنین آقای رئیس‌جمهور به آن پرداخته شده این است که بسیاری کشورهای دیگر هم در جهان پروتکل الحاقی را اجرا می‌کنند و بنابراین ایران مردم می‌شد، امروز، نتیجه مذاکرات، به فهرست بازجویی از دانشمندان وطن نمی‌رسید!

ادامه در صفحه ۱۱

یادداشت امروز

از شهدای سوم خرداد تا ۱۷۵ شهید غواص

کربلا درس «گندم‌ری» است

خرمشهر هسته‌ای را واگذار نکند

حسین قدیانی: لحظه آزادی، مدخل ورودی شهر. چند شب بی‌خوابی. پوتین‌های داغان. پل شش‌نور. هلهله کارون. هُرم گرمای جنوب. نفرین‌های شلوغ. آسفالت داغ. جیب آهوی آشنا. رد ترکش‌های وحشی روی دیوار خانه‌ها. رجز «خرمشهر ما برمی‌گردیم». حجم آخرین آتش‌بستی‌ها. خمپاره‌های سرگردان. صغیر گلوله‌های بی‌هدف. ترافیک مکالمات بیسیم‌ها. بی‌ترمزها. موتورهای. بچه‌های ترس خیمینی بالای خاکریزها درست بالاترین نقطه خاکریز. در تیررس. به بازی گرفتن مرگ آن‌هم آن فتح چند خیابان مانده به مسجد جامع. گلدسته‌های مجروح... یعنی که تمام چراغ روشن ماشین‌ها. بوق‌های ممتد. رقص برف‌پاک‌کن‌ها. روزنامه‌های بالای دست. تیتراهای درشت. سمفونی شربت و شیرینی. خیابان‌های شلوغ. غوغای موتورهای. همه بیرون از خانه‌ها. دود بود. بوی اسفند. پیرمرد رادیو به دست. پسرک سه‌چرخه‌سوار. بهترین روز جنگ. شادترین روز مردم... و تو درست باید در همین روز شهید می‌شدی ای شهید روز سوم خرداد! شهید علیرضا طفرایی! شهید ابوالفضل عسگری! شهید ابوالفضل خیرالدین! و دیگر شهدای روز فتح‌الفتوح! با شما هستیم! آیا روز دیگری برای شهادت شما نبود؟! عدل باید خبر شهادت شما در شادترین روز این مردم به خانه می‌رسید؟! مادران فرزندان دست داده. پدران منتظر. همسران غریبه بچه‌های بی‌خواب. بهانه‌های بی‌جواب. سؤال‌های بی‌پاسخ... آن هم همه در این روز؟! بوق ممتد ماشین‌ها را باور کنند یا ناله اهل خانه را؟! و این بار گلستان بر ابراهیم آتش شد!

آری! «خرمشهر ما از خدا آزاد کرد» اما به بهای شهادت در روز سوم خرداد! «جنگ» را از آن طرف بخوانی، می‌شود «گنج» اما «بارده رنج، گنج میسر نمی‌شود».

شهدای روز سوم خرداد! گم کردیم شما را! جایان در عکس‌های یادگاری جلوی مسجد جامع چه خالی است! همین جای خالی، خرمشهر را از یاد کرد! همین خون سرخ، همین بچه‌های یتیم، همین مادران فرزندان دست داده و پدران قد خمیده... همین بندگی خدا! خطایم در اینجا به بعضی‌هاست! با برج عاج‌نشین و پا روی پا انداختن و تکبر با دوست و خضوع در برابر دشمن و دستمالی کردن دستاوردها، هیچ خرمشهری آزاد نمی‌شود البته به برکت خون شهدای سوم خرداد، فی‌الحال هیچ خرمشهری در هیچ عرصه‌ای دست دشمن نیست، شرط است که بعضی‌ها و انگارشان نکنند! از این مضحک‌تر ایسا می‌توان تصور کرد خرمشهر هسته‌ای را تحویل بدی، به خیال آنکه دشمن به تو چیزی بدهد؟! خرمشهر را خیانت رئیس‌جمهور وقت به داد اما خون شهیدا آن را به آغوش میهن بازگرداند. ملی‌گرایی یعنی این! آیا در هیچ جای دنیا کشوری با دادن دستاوردهای راهبردی خود، به پیشرفت رسیده که شما دومی‌اش باشید؟! نخیر! کربلا درس مذاکره نیست، درس «گندم‌ری» است! آن هم در همین حوالی تهران! مذاکرات سعیدآباد! «من جرب‌المغرب، حالت به ندادم» بزرگ‌ترین عرقی که در این مملکت گفته شد، این است: «استاورد علمی را بدهید، پیشرفت اقتصادی حاصل کنید!» این را دیگر همه می‌دانند که عمر نفت کوتاه است و پیشرفت اقتصادی لاجرم از مسیر دستاوردهای علمی نظیر همین صنعت هسته‌ای می‌گذرد. بگذار صریح بگویم: شما در مذاکرات شکست خوردید، بی‌تعارف! چسرا که به حرف «فعل» گوش ندادید. وقتی مذاکرات به نقل از خودتان به بن‌بست رسیده و طرف دبه درآورده، بهتر است به خود آید و بالایی عمر دولت را حرام مذاکره بی‌نتیجه با حرامیان نکنید! انقدر دست فرمان‌تان در مذاکرات اشتباه بوده است که دشمن حتی به خوردن می‌دهد، بی‌تعارف! چسرا که به حرف «فعل» ندادید! شکست امروز شما محصول شعار بیخود دیروزتان است. حقا که نباید از جیب و جانب مردم شعار داد. شعار اگر به پشتوانه شعور، سر داده می‌شد، امروز، نتیجه مذاکرات، به فهرست بازجویی از دانشمندان وطن نمی‌رسید!

ادامه در صفحه ۱۱